

سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام

مجتبی مجرد

www.ketab.ir



انتشارات هرمس



انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴
مجموعه ادب فکر - زبان و ادبیات فارسی

سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام

مجتبی مجرد

عضو هیئت علمی دانشگاه جنورد

طرح جلد: واحد گرافیک هرمس

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: مجرد، مجتبی، ۱۳۶۵ اردیبهشت -

عنوان و نام پدیدآور: سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام / مجتبی مجرد.

مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ده + ۲۸۵ ص.؛ مصور.

شابک: 978-600-456-001-6

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: ۲۷۱

موضوع: تصحیح انتقادی - ایران - تاریخ

موضوع: Criticism, Textual - Iran - History

رده‌بندی کنگره: P ۴۷/م ۳ ۹ ۱۳۹۶

رده‌بندی دیویی: ۸۰۱/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۴۶۶۱۳

فهرست

مترسنااس، خودشناسی	۱
پیشگفتار	۱

فصل اول

ایرانیان و تصحیح متون در پنج قرن نخست اسلامی

مقدمه‌ای در باب تصحیح متن	۵
دوران انتقال و تعریب فرهنگ ایرانی	۱۰
قرآن، سرآغاز اندیشه‌های متن‌شناسانه اسلامی	۱۲
کتابت و تدوین حدیث	۱۶
تحریر و تصحیف	۱۹
الشیبه علی حدوث التصحیف	۲۵
روش‌های اخذ دانش و توثیق متن	۳۰
۱. روش‌های بازخوانی مکرر	۳۳
۲. روش‌های مبتنی بر نسخه‌شناسی	۳۸
۳. روش‌های مبتنی بر تبارشناسی	۴۲
کارکرد نسخه‌پدل در تمدن اسلامی	۴۶
متصدیان تصحیح متن	۵۲
محدثان	۵۳
دانشمندان و ادیبان	۵۳
وزّاقان	۵۴
خلاصه و نتیجه‌گیری	۵۷

فصل دوم

سنت تصحیح متون فارسی از قرن پنجم تا پایان قرن نهم هجری

۵۹	مقدمه
۶۱	اشاراتی به تصحیح متون در آثار فارسی
۷۴	گزاره‌هایی از تصحیح چند متن
۷۵	اختراعات شاهنامه
۷۷	کرد آری دیوان مسعود سعد سلمان
۷۹	شاهنامه به تصحیح مسعودی
۸۶	شاهنامه بایسنوری
۸۹	تصحیح نسخه‌های خطی فارسی
۹۳	نشانه‌ها، رموزها و اصطلاحات تصحیح
۱۰۱	یادداشت‌های بلاغ و مقابله
۱۰۴	خلاصه و نتیجه‌گیری

فصل سوم

تصحیح متون فارسی از قرن دهم تا پایان قرن دوازدهم هجری

۱۰۷	مقدمه
۱۰۸	شیوع فن تصحیح متون
۱۱۳	پیوند تصحیح متون با نقد ادبی
۱۱۶	تصحیح دیوان حافظ در هرات
۱۲۰	عبداللطیف عباسی، بزرگ‌ترین مصحح سنتی زبان فارسی
۱۵۰	رمزهای تصحیح در نسخ خطی قرن دهم تا دوازدهم هجری
۱۵۵	خلاصه و نتیجه‌گیری

فصل چهارم

تصحیح متون فارسی در دوره جدید

۱۵۷	مقدمه
۱۶۳	علامه محمد قزوینی
۱۶۵	۱. نقد روش‌های تصحیح متن
۱۶۸	۲. روش‌های تصحیح متن

۱۷۰. احتراز از تصحیح خودکار
۱۷۲. توجه به نسخ اقدم و اصح
۱۷۴. فامیل‌شناسی (تبارشناسی) نسخ
۱۷۵. نسخه‌بدل
۱۷۸. توجه به منابع جانبی
۱۸۰. رسم الخط متون تصحیح‌شده
۱۸۲. احمد بهمنیار کرمانی
۱۸۴. ۱. ممارات در ناخت نسخه‌ها
۱۸۶. ۲. اسناد بارشده
۱۸۷. ۳. کیفیت ارائه نسخه‌بدل
۱۸۹. ۴. توجه به منابع جانبی حقیقات میدانی
۱۹۰. ۵. رسم الخط متون تصحیح‌شده
۱۹۱. محمدتقی بهار
۱۹۳. ۱. نقد سنت تصحیح متن
۱۹۷. ۲. ذوق متبوع و غیرمتبوع
۱۹۹. ۳. اصلاح خطای مؤلف
۲۰۱. ۴. رابطه قدمت و اصالت نسخه
۲۰۱. ۵. نسخه‌بدل، منابع جانبی و رسم الخط
۲۰۴. جلال الدین همایی
۲۰۵. ۱. فلسفه تصحیح متون
۲۰۶. ۲. نقد و بررسی سنت تصحیح متن
۲۰۹. ۳. مقابله متن یا تصحیح متن؟
۲۱۰. ۴. معیارهای مصحح حقیقی
۲۱۲. ۵. طبقه‌بندی و تبارشناسی نسخ
۲۱۳. ۶. رابطه قدمت و صحت نسخه
۲۱۵. ۷. خطرات ذوق لجام‌گسیخته و تصحیح خودکار
۲۱۸. ۸. استفاده از منابع جانبی
۲۱۸. ۹. نسخه‌بدل
۲۲۱. ۱۰. رسم الخط متون تصحیح‌شده

۲۲۴	مجتبی مینوی
۲۲۵	۱. مهار ذوق در تصحیح متون
۲۲۸	۲. نسخه‌های کهن‌تر باید معیار تصحیح باشد
۲۳۰	۳. انتقاد از تصحیح التقاطی
۲۳۰	۴. تصحیح انتقادی
۲۳۴	۵. عدم اعتماد به نسخه‌های کاتبان و مصححان ایرانی
۲۳۶	خلاصه و نتیجه‌گیری
۲۳۹	فرجام سخن
۲۴۳	تصاویر
۲۶۲	کتابنامه
۲۷۵	نمایه

پیشگفتار

سال‌های سال می‌گذرد از آن روزی که در حین خواندن تمهیدات عین القضاات همدانی ازدحامی از باورقی‌های ناآشنا توجهم را جلب کرد؛ «نسخه‌بدل» اولین تیر را پرتاب کرده بود. وقتی دیگر دیوان حافظ می‌خواندم، سخن از اختلاف نسخه‌های آن به میان آمد. با خود گفتم: «مگر دیوان حافظ را حافظ ننوشته است؟ پس دعوا بر سر چیست؟» مدت بعد، وقتی در میان جمعی از طالبان علم، اصول کافی می‌خواندیم و می‌شنیدیم که فلان - دیت بدین لفظ در فلان نسخه نیامده یا در فلان چاپ نیست باز با خودم گفتم: «ه‌گرام‌ول کافی را یک تن که همان مرحوم کلینی باشد ننوشته؟ پس این اسرار هفتاد و دو ملت از کجا برخاسته است؟»

همین پرسش‌های به‌ظاهر ساده و بلکه بسیار ساده‌برخی «ساده‌لوحانه» گزیده‌ترین روزگار جوانی‌ام را به یغما برد، یغمایی که کسی دلخواه! ریعان شباب به جای «افتد و دانی» به «نسخه‌شناسی و نسخه‌خوانی» گشت. شانه‌به‌شانه «برگه‌های پیر» در کوچه‌های مبهم تاریخ قدم زد و آشنایانی یافته به عمرها در این کوچه‌ها سرگردان بودند و این بیت صائب ذکر مدامشان:

نشد ز نسخه دل نقطه‌ای مرا معلوم اگرچه عمر به تصحیح این رساله گذشت

نسخه‌های خطی نه‌تنها راویان فرهنگ و تاریخ پیشین‌اند، بلکه چگونگی دگرگونی‌ها را نیز روایت می‌کنند؛ روایتی که مصححان حاذق می‌شنوند و به‌گوش دیگران می‌رسانند. فن تصحیح متن شنیدن صدای تاریخ از زبان همین نسخه‌های

خاموش است و کار مصحح کاری نبی وار: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزاً.»

به راستی اولین کسی که کوشید تا صدای پیشینیان را از خلال نسخه‌های دستنویس باقی مانده از آنان بشنود کیست؟ این پرسش نیز مانند بسیاری دیگر از «الین‌های ناشناس» بی جواب باقی مانده است:

... کی داند که این باغ از کی است ... کاو بهاران زاد و مرگش در دی است

اما بی‌جواب ماندن این پرسش بدان معنی نیست که ما نمی‌توانیم سنت تصحیح متن را رد کنیم، بلکه بدان معناست که روایت ما کامل نمی‌تواند بود.

در این روزگار سه سری گنگ که وجه شاخصه‌اش «شتاب و فرار» است پرداختن به مسائلی از این دست - بررسی سنت تصحیح متن - نوعی از جنون قلمداد می‌شود: والجنون فنون! اما غافل بهتر می‌دانند که پاسخ به بسیاری از پرسش‌های امروزی نیازمند غور و فرورزن در جهان دیروز است، جهان مردمانی که بر شانه‌هایشان ایستاده‌ایم و آه‌ها - بر بر شانه‌های پیشینیان، هَلُم جَزْأً.

فهم عمیق و دقیق پاسخ این پرسش که دانش «تروژین تصحیح متن» (textual criticism) فرآورده چه روندی بوده است به ما کمک می‌کند تا اولاً بخش‌هایی ناشناخته از تاریخ و فرهنگ خویش را بشناسیم، ثانیاً تجربیات تلخ و شیرین پیشینیانمان را در این حوزه پیش چشم بیاوریم و ثالثاً نسبت به این دانش را با فرهنگ اسلامی-ایرانی بسنجیم. در این روزگار که تعصبات قومی و قبیله‌ای جای خود را به جزم‌اندیشی‌های علمی‌نما داده است، تأمل در کرده‌های پیشینیان راهی پیش چشمان خواهد گشود به سوی فردایی روشن‌تر.

این پژوهش در دفاع از سنت تصحیح متن اسلامی-ایرانی نوشته نشده، بلکه کوشیده است تا این سنت را تبیین و تجزیه و تحلیل کند و پیش چشم مخاطب آگاه در ترازو نهد. از آنجا که این اثر نخستین پژوهش مستقل و تقریباً جامع در این حوزه است، بر سه هر حمله‌آر می‌توان اما و آگ‌ها آورده و له و لا نسلم

در انداخت. نگارنده نه در این وادی خود را کسی می‌پندارد و نه ادعایی دارد؛ تنها دل بدین خوش کرده است که عالمان و صاحب‌نظران در این کتاب بنگرند و عیب و هنرش را — اگر هنری داشته باشد — بازگویند، تا ان شاء الله زمینه‌ای فراهم آید برای تدوین آثاری جامع در این باب.

اکنون که سخن بدین جا رسید بر خود واجب می‌دانم از راهنمایی‌های استادان گرانقدری که در این کتاب سهم عظیم دارند سپاس بگزارم. استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر محمدجعفر یاحقی که همواره از افاضاتشان بهره‌ها برده‌ام از مشوقان صلی بنده در این کار صعب بودند و به‌راستی اگر دلگرمی‌ها و پشتیبانی‌های ایشان نبود بسا که این کار به سرانجام نمی‌رسید؛ خدایش خیر دهد آن که این عمامت بر سر استاد یگانه و نازنینم جناب آقای دکتر محمود امیدسالار «جزو اعظم» این پژوهش نهادند و هر جا گری در کار پیش می‌آمد به دست گره‌گشای ایشان گذرانده می‌شد؛ حفظه الله تعالی لجمیعنا. استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر عبدالله رادمرز که حق «صیغه مشبهه رادمردی» است و منت‌هایشان بر سر بنده یکی دوتا نیست در این پژوهش نیز یاریگرم بودند؛ وفقه الله تعالی فی سبیلہ.

استادان بزرگوار جناب آقای دکتر محمد عابدی، جناب آقای دکتر سید حسین فاطمی و جناب آقای دکتر ضیاء موحد من نهایی پژوهش را تیزبینانه و با وسواسی عالمانه، که شایسته چنین استادانی است، به مطالعه گرفتند و نکات ارزنده‌ای را گوشزد فرمودند که در تحریر نهایی اعمال گردید؛ خدایشان حفظ کند. این پژوهش همچنین مدیون کمک دوستانی است که مرا به ازای نام ناگون یاری رسانده‌اند. سپاسگزارم از پژوهشیان ارجمند، آقایان محمدامین حقیر و احمد امینی، که نکات قابل توجهی را به بنده یادآور شدند و نیز وامدار دوست نازنینم جناب آقای سید امیر منصوری‌ام که مرا در تهیه بسیاری از مواد این پژوهش یاری کرد و حق دوستی را بیش از آنکه باید، گزارد؛

دریغ و درد که تا این زمان ندانستم که کیمیای سعادت رفیق بود رفیق

خدایشان پاداشی دهد که از چنو خدایی سزد!

امیدوارم ناقدان بصیر و عالمان خبیر نگارنده را از نظرها و پیشنهادهای خویش
بهره‌مند سازند، که گفته‌اند:

اِذَا تَمَّ أَمْرُ دُنَا نَقِصُهُ تَوَقَّعْ زَوَالَهُ إِذَا قِيلَ تَمَّ

والسلام علی من اتبع الهدی

مجتبی مجرد

مشهد مقدس

www.ketab.ir